



قوانین باعث ایجاد انگیزه می شود که آنها به قوانین آن پایبند باشند اما اینطور نشد در برخی موارد این کار را کرد و در بسیاری از موارد چنین نشد.

جمهوری خلق چین به یارانه دادن به بخش های صنعتی سنتی مانند فولاد و همچنین صنایع کلیدی آینده مانند انرژی پاک، زیرساخت های دیجیتال و بیوتکنولوژی های پیشرفته ادامه داد. آمریکا فقط تولید را از دست نداد، بلکه رقابت خود را در فناوری های حیاتی که آینده را مشخص می کنند، از دست داد. ادغام اقتصادی، چین را از گسترش جاه طلبی های نظامی خود در منطقه یا روسیه را از حمله به همسایگان دموکراتیک خود باز نداشت. هیچ یک از این دو کشور مسئولیت پذیرتر یا همکاری کننده تر نشده بودند.

نادیده گرفتن وابستگی های اقتصادی که طی دهه ها آژادسازی ایجاد شده بود، واقعاً خطرناک شده بود - از عدم قطعیت انرژی در اروپا گرفته تا آسیب پذیری های زنجیره تامین در تجهیزات پزشکی، نیمه هادی ها و مواد معدنی حیاتی. این ها انواع وابستگی هایی بودند که می توانستند برای اهرم های اقتصادی یا ژئوپلیتیکی مورد استفاده قرار گیرند.

در نهایت، ما با چالش نابرابری و آسیب آن به دموکراسی مواجه شدیم. در اینجا، فرض غالب این بود که رشد مبتنی بر تجارت، رشدی فراگیر خواهد بود که دستاوردهای تجارت در نهایت به طور گسترده در بین کشورها تقسیم می شود. اما

واقعیت این است که این دستاوردها نتوانست به بسیاری از افراد شاغل برسد. طبقه متوسط آمریکا جایگاه خود را از دست داد در حالی که ثروتمندان بهتر از همیشه عمل کردند. و جوامع تولیدی آمریکایی در حالی که صنایع پیشرفته به کلان شهرها نقل مکان کردند، از بین رفتند.

اکنون، محرک های نابرابری اقتصادی همانطور که بسیاری از شما حتی بهتر از من می دانید پیچیده اند و شامل چالش های ساختاری مانند انقلاب دیجیتال می شوند. اما کلیدی در میان این محرک ها، دهه ها سیاست های اقتصادی کاهش یافته است - سیاست هایی مانند کاهش مالیات های ثروتمندان، کاهش شدید سرمایه گذاری عمومی، تمرکز کنترل نشده شرکت ها، و اقدامات فعال برای تضعیف جنبش کارگری که در ابتدا طبقه متوسط آمریکا را ساخت.

تلاش ها برای اتخاذ رویکردی متفاوت در دوران دولت اوباما - از جمله تلاش ها برای تصویب سیاست هایی برای مقابله با تغییرات آب و هوایی، سرمایه گذاری در زیرساخت ها، گسترش شبکه ایمنی اجتماعی و حمایت از حقوق کارگران برای سازمان دهی - توسط مخالفان جمهوری خواه با مانع مواجه شد.

یا مواد معدنی حیاتی - ستون فقرات آینده انرژی پاک - را در نظر بگیرید. امروزه، ایالات متحده تنها ۴ درصد از لیتیوم، ۱۳ درصد از کبالت، ۰ درصد از نیکل و ۰ درصد از گرافیت مورد نیاز برای پاسخگویی به تقاضای فعلی برای وسایل نقلیه الکتریکی را تولید

می کند. در همین حال، بیش از ۸۰ درصد مواد معدنی حیاتی توسط یک کشور، یعنی چین، فرآوری می شود. در عین حال، ساختن همه چیز در داخل کشور ممکن یا مطلوب نیست. هدف ما خودبزرگ بینی نیست - انعطاف پذیری و امنیت در زنجیره تامین ما است.

در حال حاضر، ایجاد ظرفیت داخلی ما نقطه شروع است. اما این تلاش از مرزهای ما فراتر می رود. و این مرا به مرحله دوم استراتژی ما می رساند: همکاری با شرکایمان برای اطمینان از ایجاد ظرفیت، انعطاف پذیری، و فراگیر بودن آنها.

ایجاد یک اقتصاد ایمن و پایدار در مواجهه با واقعیت های اقتصادی و ژئوپلیتیکی به همه متحدان و شرکای ما نیاز دارد که کارهای بیشتری انجام دهند. البته زمانی برای از دست دادن وجود ندارد. در نهایت، هدف ما یک پایگاه فنی-صنعتی قوی، انعطاف پذیر و پیشرو است که ایالات متحده و شرکای همفکرش، اقتصادهای مستقر و نو ظهور به طور یکسان، بتوانند روی آن سرمایه گذاری کنند و با هم به آن تکیه کنند. پرزیدنت بایدن و اورسولا فون درلاین، رئیس کمیسیون اروپا، ماه گذشته در این باره در واشنگتن صحبت کردند.

آنها بیانیه بسیار مهمی را منتشر کردند که اگر آن را نخوانده اید، واقعاً شما را تشویق می کنم که آن را بخوانید. در قلب آن، آنچه در این بیانیه گفته شد این بود: سرمایه گذاری های عمومی جسورانه در ظرفیت صنعتی مربوطه ما باید در قلب انتقال انرژی قرار گیرد. فون درلاین و پرزیدنت بایدن متعهد شدند که با هم کار کنند تا اطمینان حاصل شود که زنجیره های تامین آینده انعطاف پذیر، ایمن و منعکس کننده ارزش های ما - از جمله در مورد نیروی کار - هستند. آنها گام های عملی را در